

شهید حسن حسینی نژاد که از مادرش خواسته بود

در سفر حج برای عاقبت به خیری اش دعا کند، در جنگ ۱۲ روزه به آرزویش رسید

امانتی که در راه خدا رفت

۵۴



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

مقداد واحدی، آموزگار و هنرمندی است که پرورش دانش آموزانش را بر آموزش آن‌ها ترجیح می‌دهد

**دانش آموزان
بوم سفید نقاشی‌اند**

۶



شهرداری پر کردن کنده‌کاری کوچه بلوط را برعهده اداره مخابرات می‌داند

۲

رد پای دردرس‌ساز فیبر نوری

رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی شهر در نشست با بانوان فعال منطقه ۱۰ خبر داد

۷

تجهیز مساجد به اتاق مادر و کودک



شهرداری پر کردن کنده کاری کوچه بلوط را
برعهده اداره مخابرات می‌داند

رد پای دردسرساز فیبر نوری

رضار یاحی اکوثر ۲۹، به کوچه بلوط معروف است؛ کوچه‌ای پررفت و آمد که این روزها چهره‌ای متفاوت به خود گرفته است. ساکنان این کوچه که به نظافت و آرامش محل زندگی‌شان عادت دارند، حالا با وضعیت نه چندان مناسبی روبه‌رو شده‌اند و نزدیک به دو ماه است که آسفالت کوچه‌شان برای به روزرسانی شبکه مخابرات، تخریب شده و عبور و مرور را برای اهالی سخت کرده است. با اینکه انتظار می‌رفت مرمت این کنده کاری هادر مدت کوتاهی انجام شود، گذر زمان بدون هیچ تغییری در وضعیت معبر باعث نگرانی و دلخوری ساکنان شده است.

هم قدم

۹

● **گیرکردن چرخ‌های ویلچر در شیار طولانی**
آسفالت در سرتاسر کوچه بلوط تخریب شده است. کنده کاری‌ها عرض زیادی ندارد، اما در سرفه‌های گوناگونی برای اهالی ایجاد کرده است؛ از گیرکردن پای بچه‌ها تا افتادن لاستیک خودرو و جمع شدن آب و از همه مهم‌تر چهره زشتی که این روزها کوچه به خود گرفته است.

در یکی از خانه‌ها بازا است و محمد در یادل که نزدیک به ۷۵ سال دارد، در حال آب دادن درختان جلو خانه‌اش است. او که متوجه می‌شود مادر حال عکاسی از تخریب آسفالت هستتیم، جلو می‌آید و می‌گوید: من هر روز همسرم را برای هوا خوری به بیرون از خانه می‌برم. نزدیک خانه مان پارک است و عصرها به آنجامی رویم، اما همسرم روی ویلچر می‌نشیند و چند بار چرخ ویلچر در این کنده کاری‌ها گیر کرده است؛ به طوری که ایستاده‌ام تا همسایه‌ها بیایند و ما را کمک کنند. من نمی‌دانم چرا آسفالت را به این روز انداخته‌اند، ولی هرچه باشد، مرمت آسفالت خیلی زمان بر شده است و اهالی از این موضوع ناراحت‌اند.

● **کوچه‌مان بدچشمی می‌کند**

یکی دیگر از همسایه‌ها به نام اکرم کاشانی جلو می‌آید و می‌گوید: من هر روز که ماشین را از خانه خارج می‌کنم، به دردسر می‌افتم. هرچه سعی می‌کنم با سرعت کم از روی چاله‌ها رد شوم، فایده‌ای ندارد؛ لاستیک گیر می‌کند و جلوبندی ماشین به سروصدا می‌افتد. اکرم خانم ادامه می‌دهد: شرکت‌های خدمات رسانی و شهرداری قبلا هم در کوچه ما کنده کاری داشته‌اند، اما یکی دو هفته‌ای پروژه جمع‌وروش آسفالت انجام می‌شد. این بار خیلی طولانی شده است و منظر کوچه‌مان حسابی بدچشمی می‌کند.

یکی دیگر از اهالی که بیست سال است در این کوچه زندگی می‌کند، می‌گوید: آسفالت کوچه بلوط خیلی خراب شده است. هر بار می‌آیند و قسمتی از آن را می‌کنند و می‌روند. این آسفالت‌ها وقتی روکش می‌شود، معمولاً نشست می‌کند و همین باعث می‌شود که کوچه آسفالت یکدستی نداشته باشد. آرش آیسالان دستش را به سمت اول کوچه نشانه می‌رود و ادامه می‌دهد: پستی و بلندی را ببینید. سرتاسر کوچه پر از چاله است. اسمش هم این است که در بولوارها شمشیه زندگی می‌کنیم و به قولی اینجا بالای شهر است.

● **پای خطوط فیبر نوری در میان است**

برای پیگیری این مشکل با رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۹ گفت‌وگو می‌کنیم. سیدهادی صالحی درباره معضل حفاری کوچه بلوط که مدت‌ها به حال خودش رها شده است، به شهرآرامش می‌گوید: حفاری این کوچه مربوط به خطوط فیبر نوری شرکت مخابرات مشهد است و اصلاح وضع موجود هم براساس قراردادی که با آن‌ها داریم، برعهده خودشان است. با این حال، چندین بار با شرکت مخابرات مشهد مکاتبه کرده‌ایم که در معابری که حفاری کرده‌اند، پس از پایان پروژه، لکه‌گیری آسفالت انجام شود. صالحی ادامه می‌دهد: یکی از این معابر، کوچه بلوط در محله کوثر است که اهالی آن از وضعیت موجود گلایه دارند. ما حتی در هفته پیش این موضوع را از طریق سازمان فاوای شهرداری مشهد پیگیری کردیم و نامه‌ای به آن‌ها ارسال کردیم تا در مرمت معبر تسریع شود. شهرآرامش محله موضوع تخریب آسفالت کوچه بلوط را در هفته آینده پیگیری می‌کند.

شهردار منطقه ۹ از اصلاح الگوی کشت در میدان دلاوران خبر داد.

سعید حسینی نقلی زاده مقدم با اعلام این خبر گفت: اصلاح الگوی کشت در میدان‌های شهری با هدف صرفه جویی در منابع آبی، به معنای جایگزینی گیاهان پرمصرف با گیاهان کم‌آب و مقاوم به خشکی است. این اقدام می‌تواند به طور درخور توجهی میزان مصرف آب را در فضای سبز شهری کاهش دهد.

او در ادامه یادآور شد: در همین راستا طرح اصلاح الگوی کشت در میدان دلاوران اجرا شده و این بخش از فضای سبز منطقه ما با کاشت گیاهان مقاوم به کم‌آبی، کاهش سطح چمن، اجرای طرح خشک منظر با استفاده از کاشت درختچه‌های زینتی و استفاده از صخره‌وشن‌های رنگی سر و شکل متفاوتی به خود گرفته است که علاوه بر صرفه جویی در مصرف آب، به بهبود منظر شهری هم کمک می‌کند. به گفته حسینی نقلی زاده مقدم، اصلاح الگوی کشت فرایندی ادامه دار است و متوقف نمی‌شود. شهرداری منطقه ۹ برای این کار تیمی تشکیل داده است تا فضاها را سبز شهر را بررسی کنند و در هر نقطه مثل بوستان‌ها، لچکی‌ها و آیلند‌ها که نیاز به تغییرات در کاشت دارد، کار اصلاح الگوی کشت انجام شود.

شهردار منطقه ۹ افزود: با اجرای این اقدامات، می‌توان الگوی مصرف آب در فضای سبز را بهینه کرد و به سمت توسعه پایدار شهری گام برداشت.



شهردار منطقه ۹
از اصلاح الگوی کاشت
در میدان دلاوران خبر داد

**صرفه جویی با
خشک منظر سازی**

مصلاي خورشید راه اندازی شد

مصلاي بزرگ بوستان خورشید به بهره‌برداری رسید. این پروژه با هدف فراهم کردن فضایی مناسب برای برگزاری مراسم‌های مذهبی و عبادی شهروندان و ترویج و اشاعه فرهنگ اقامه نماز در دستور کار شهرداری قرار گرفته بود. این مکان با مساحت چهارصد متر مربع در مسیر قله زو بوستان خورشید جانمایی شده است.

شهر خبر

۹

توصیه‌های بهداشت برای حسینی‌ها

آخرین جلسه شورای سلامت بهداشت در سالن جلسات شهرداری منطقه ۹ برگزار شد. اقدامات معاونت فرهنگی شهرداری در ماه محرم و صفر، مراقبت‌های بهداشتی آب و مواد غذایی در تکیا و حسینی‌ها، گزارش فعالیت‌های کارگروه سالک در منطقه از جمله مواردی بود که در این جلسه بررسی شد.

خدمت‌رسانی به زائران در چایخانه بوستان لاله

پروژه ساخت و تکمیل چایخانه بوستان لاله با اعتباری بیش از ۲۱ میلیارد ریال در ضلع غربی میدان هشتصد در حال اجراست. احداث چایخانه با پیشرفت فیزیکی ۷۰ درصد علاوه بر زائران، خدمت‌رسانی به شهروندان رانیز در دستور کار دارد. این چایخانه قرار است پاتوقی باشد که علاوه بر ارتقای فضای مذهبی و فرهنگی بوستان لاله، برای پذیرایی از افرادی که از این بوستان محلی استفاده می‌کنند، مکانی شاد فراهم کند.

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۸۵۹۶۴۰۹۳۸۵ در پیام رسان ایتا بفرستید

۱۰



همیاری دختران مهدخت

مراسم سالروز شهادت حضرت رقیه (س) امشب ویژه دختران محله فرهنگیان در مسجد امام محمد باقر (ع) برگزار می شود. در این مراسم دختران با سلیقه خودشان سفره ای پهن می کنند که از سفره آرای و چیدمان شمع ها گرفته تا پاک کردن سبزی و پخت شله زرد و هر خوراکی دیگری هنر خودشان است. مداح و سخنران هم از بین دختران هنرور سخنران محله انتخاب شده اند. این دختران از هیئت «مهدخت» گلچین شده اند که هر هفته روزهای پنجشنبه در همین مسجد دور هم جمع می شوند و کلاس های آموزشی مختلفی دارند.



یادمان شهدا در محله رسالت

رضایحی هفته پیش، مراسم بزرگداشت شهدای جنگ دوازده روزه به همت ساکنان محله رسالت در مسجد صاحب الزمان (عج) برگزار شد. اهالی محله با همکاری و همت جمعی در این مسجد گرد هم آمدند تا یاد و خاطره شهدا را گرامی بدارند. این مراسم ساده و پربار با قرائت قرآن، زیارت عاشورا و مداحی آغاز شد و سپس با سخنرانی امام جماعت مسجد، برگزاری حلقه معرفتی و شعرخوانی ادامه پیدا کرد.

به گفته حمید قاسمی، از قدیمی های این محله، همه اهالی برای برگزاری این مراسم خود جوش پای کار آمدند و هر کدام به اندازه توانشان کمک کردند. این جمع نشان دادند که عشق به شهدا، نه در تشریفات، که در دل های مردم جاری است.



دوره می بانوان در مسجد رازی

بانوان محله رازی، هر هفته شنبه از ساعت ۵ عصر تا نماز مغرب و عشا به حلقه های معرفتی و آموزشی دعوت هستند که در مسجد امام سجاده (ع) برگزار می شود. در این دوره می ها، بانوان به سه رده سنی تقسیم بندی شده اند، خانم های بالای ۶۰ سال، بین ۴۰ تا ۶۰ سال و کمتر از ۴۰ سال. در این حلقه های معرفتی و آموزشی مواردی مانند کتاب خوانی که از همه مهم تر است، تربیت فرزند، روابط زوجین، بحث های سیاسی روز، تماشای فیلم های مناسبی و... مطرح می شود و برای هر گروه سنی استادان مجربی در نظر گرفته شده است. در ضمن خانم هایی که بچه کوچک دارند، نگران نباشند، برای بچه ها، مربی کودک با بازی ها و آموزش های متنوع در نظر گرفته شده است.

بانوان محله خاتم الانبیا (ص) در مسیر بهشت

دهه آخر صفر امسال قرار است بانوان محله خاتم الانبیا (ص) نبش خیابان پیامبر اعظم یک، موبک استقبال از زائر را بپا کنند که نامش را «در مسیر بهشت» گذاشته اند. در این موبک، بسیاری از بانوان فعال محله حضور دارند و قرار است برای اولین بار خدمات متفاوتی را ارائه دهند. به عنوان مثال خانم های خیاط ۱۰ قواره پارچه چادری گرفته اند که در موبک به دوخت و دوز مقنعه و ساق دست و چادر مشغول باشند. آن هایی که دستی بر عروسک سازی دارند، می خواهند برای بچه ها عروسک درست کنند و در بسته هایی که شامل خوراکی های دست ساز و خوش مزه مانند کلوچه و سویق می شود، در غرفه کودکان به بچه ها هدیه بدهند. تولید نان و خرد کردن سبزی برای موبک های سطح شهر از دیگر خدمات این موبک است.



«پینت بال» بانوان به زودی در قاسم آباد

اولین فضای اختصاصی پینت بال ویژه بانوان در بوستان آفتاب قاسم آباد به زودی افتتاح می شود. به گفته شهردار منطقه ۱۰، توسعه فضاهای زیرساختی با محوریت بانوان، تجهیز مساجد برای ورزش همگانی، ایجاد هجده مرکز فرهنگی ورزشی در مدارس با همکاری و مشارکت آموزش و پرورش ناحیه ۷ مشهد و احداث زمین ورزشی بانوان شاهد، از شاخص ترین اقدامات این منطقه در راستای کسب رضایت بانوان بوده است.



۱۰

مساجد، رابط مردم و شهرداری

در هفته گذشته، نشست بین ائمه جماعات و فعالان فرهنگی مساجد منطقه با شهردار منطقه ۱۰ برگزار شد. هدف از برگزاری نشست این بود که مساجد به عنوان پلی میان محلات و مدیریت شهری با ایفای نقش کنند. مرمت و رفع نقص و تجهیز چهارده مسجد به لوازم ورزشی توسط شهرداری منطقه ۱۰ برخی از کارهای صورت پذیرفته است.

مشکلات سنگ بری های شهر سنگ ادامه دارد

نشست شورای بهداشت و سلامت منطقه ۱۰ با حضور معاون فنی و اجرایی این منطقه در سالن جلسات برپا شد. در این جلسه، موضوعاتی مانند رفع مشکل زیست محیطی سنگ بری های شهر سنگ، پیگیری خطرات آتش سوزی انبار فرش مسجد امام سجاده (ع)، برگزاری کلاس آموزشی و توجیهی برای پیمانکاران فضای سبز و نیز مصوبات کارگروه مدارس نمازی خواه، دارالعلم، بقیه... (ع) و پروین اعتصامی بررسی شد.

به همت معاونت فنی و عمرانی شهرداری منطقه ۱۰ و بایگیری شهرآرامحله انجام شد

کشیدن دست به سر و روی «ماهور»

ریحی اول مرداد برای بار دوم، گزارشی درباره حفاری شرکت آب و فاضلاب مشهد در بوستان ماهور منتشر کردیم. برای این حفاری ها، خسارت زیادی به پارک وارد شده و آنچه بیشتر از همه باعث گلایه اهالی شده بود، برچیده شدن سنگ فرش و دیوای آن در بخشی از پارک بود. عباس طاهریان، یکی از اهالی، به شهرآرامحله خبر داد: هفته گذشته از شرکت آب و فاضلاب آمدند سنگ فرش های دیو شده را جمع و کف پارک را دوباره سنگ کردند. هر روز هم از شهرداری می آیند و پارک را نظافت می کنند. خدا را شکر پارک ماهور سرو سامان گرفته و امیدواریم با مرمت چمن، همان بوستان با طراوت گذشته را داشته باشیم.



شهید سید حسن حسینی نژاد که از مادرش خواسته بود
در سفر حج برای عاقبت به خیری اش دعا کند، در جنگ ۱۲ روزه به آرزویش رسید

امانتی که در راه خدا رفت



فهمه شهری اشب عید غدیر که از خانه خارج می شد، به همسرش گفت ساکم را ببند، آماده باش هشتم و هر وقت تماس بگیرند، باید سریع بروم. بعد هم برای خدمت در ایستگاه صلواتی به مسجد امام صادق (ع) محله شان، لادن، رفت. وقتی برگشت و کیفش را آماده دید، به همسرش گفت کاش وسایلم را در آن ساک دیگری گذاشتی. همسرش کیف را عوض کرد. صبح فردا حسن آقا عازم مأموریت دفاع از میهن در جنگ دوازده روزه اسرائیل علیه ایران شد. اورفت و دیگر نیامد! در بمباران تهران بخش زیادی از پیکرش سوخت و هیچ چیز از او جز همان ساک برنگشت! وقتی برادرانش برای آزمایش دی ان ای رفتند، برادر بزرگش رفت و گفت ملاحظه ما را نکنید. اگر پیکری از او مانده است، بگویید. مابابت هدیه و امانتی که در راه خدا رفته است، ناراحت نمی شویم. یک عمر با پدرم زیر بمباران زندگی کردیم. بعد از این هم، محکم تر و استوارتر از قبل راهشان را ادامه می دهیم.



مادر تعریف می کند: همین که چادر کعبه در دستم آمد، حسن از ذهنم گذشت و آرزویی که همیشه داشت. مادر سوم تیرماه از حج برگشت، ولی حسنش نبود که به استقبالش بیاید. سراغش را که گرفت، گفتند مأموریت است. فردای آن روز خبر شهادتش را به مادر دادند. از ۹ روز قبل، یعنی بیست و ششم خرداد، حسن شهید شده بود. ولی خانواده اش خبر نداشتند. چون پیکرش را پیدا نمی کردند. از دو برادرش خواسته بودند بدون اینکه به کسی چیزی بگویند، آزمایش دی ان ای بدهند. سرانجام هم قسمت های کمی از پیکر این شهید را بیست و هفتم تیرماه در بلوک ۱۴ قطعه شهدای بهشت رضا (ع) دفن کردند.

شده بودم، موقعی که برای خدا حافظی آمده بودند، صورتش پراز اشک بود و دوباره دعا برای عاقبت به خیری خواست. می دانستم منظورش شهادت است. به روی خودم نیاوردم و با دیگران مشغول خدا حافظی شدم. حسن باز دستم را گرفت و گفت مادر، دعا کن عاقبت به خیر شوم. سرسری گفتم همیشه برایت دعا می کنم. داماد خانواده، فیلم آن وداع، چشمان اشک بار حسن و حرف هایش را در تلفن همراه نشانمان می دهد. حسن بار سوم هم صورت مادر را به سمت خود می چرخاند و این خواسته اش را تکرار می کند. وقتی مادرش سوار اتوبوس می شود در آستانه راهی شدن است، حسن طاقت نمی آورد. با صورت پراز اشک چادر مادر را می کشد و این بار حرف دلش را روراست می زند: مادر دعا کن شهید شوم.

مادر، دعا کن عاقبت به خیر شوم

وقتی با خانواده شهید سید حسن حسینی نژاد صحبت می کنیم، «آرامش» اولین ویژگی ای است که به چشم می آید. حتی بچه های قدونیم قدش بی قراری نمی کنند. زهرای دوازده ساله و محمد نه ساله اش باینکه خاطرات زیادی از محبت، بازی های پدرانه، سوغاتی ها و هدایای او دارند، به جای گریه و بی تاب، به خوبی درک کرده اند که پدرشان با شهادت به آرزوی دیرینه اش رسیده است و حالا باید ادامه دهنده راه او باشند. شهر بانو نجفی، مادر شصت و شش ساله این شهید، تعریف می کند: حسن خیلی وقت ها که من را می دید، می گفت مادر، دعا کن عاقبت به خیر شوم. همین خرد ماه که عازم حج



۳ نفری که دست برادری دادند. شهید شدند

آقای سعید علیرضا، برادر بزرگ حسن آقا، می گوید: همکاران حسن برایم تعریف کرده اند که ساعاتی پیش از شهادت، او و چهار نفر از همکارانش می گویند بیا بیاید دست برادری دهیم و اگر هر کدام شهید شدیم، آن دنیا شفاعت همدیگر را بکنیم. دو تا از همکاران

سیده مرضیه، خواهر شهید، ادامه می دهد: وقتی کوچک بودیم، حسن دوست داشت مرغ و خروس داشته باشد. مادرم در خانه اجازه نمی داد. رفته بود در خیابان یک آغل درست کرده بود و در آن مرغ و خروس نگهداری می کرد. یک بار روباه یکی از مرغ هایش را گرفت. دنبالش کرد و مرغ را از دهن روباه بیرون آورد و کلی از مرغش پرستاری کرد تا زخم هایش ترمیم شد. آقا علیرضا، برادر شهید، ادامه می دهد: حسن خلاق بود و وقتی دست به کاری می شد، یک وسیله جدید درست می کرد. همین گلخانه و پایه گلدان را خودش درست کرده بود. کلی چسب به دستانش چسبیده بود و نمی توانست آن ها را پاک کند. یک بار دستگاه جوجه کشی درست کرد. کمک حال این و آن هم بود. اگر می دید کار یا تعمیری در خانه هر کدام از ما مانده است، می آمد و انجامش می داد. داماد خانواده در تأیید حرف او می گوید: همین چند روز پیش از شهادتش آمد خانه ما و چند کار عقب مانده را با هم انجام دادیم.

سر شوخی و خنده را باز می کنند و می گویند ما هنوز در این دنیا کار داریم و دست نمی دهند. از قضا فرمانده شان آن دو نفر را برای انجام کاری به جایی می فرستد و دقایقی بعد سه نفری که با هم دست برادری داده بودند، در اثر بمباران شهید می شوند. زینب نظر زاده، همسر شهید، می گوید: وقتی می دیدم حسن آقا این قدر آرزوی شهادت دارد، یک بار گفتم اگر شما شهید شوید، چه کسی از این نظام و کشور دفاع کند. اما در جواب گفت اگر ما شهید شویم، هیچ اتفاقی نمی افتد. کسان دیگری هستند که جای ما را می گیرند و از این خاک دفاع می کنند. او تعریف می کند: حسن آقای ما خیلی اهل طبیعت بود و زیاد به بیرون شهر می رفتیم. در خانه یک پایه برای گلدان ها درست کرده و روی پشت بام هم گلخانه زده بود. همیشه می گفت دلم می خواهد یک زمین داشته باشم که در آن درخت بکارم و سرسبزش کنم. گمانم الان در بهشت به آرزویش رسیده باشد.



ماشین مشکل مالی دارد. از او چک شش ماهه گرفت. می گفتم آخر در این دوره و زمانه چه کسی این طور معامله می کند. می گفت خدا بزرگ است و برکتش را می دهد.

زینب خانم در تأیید و ادامه صحبت های آقا علیرضا می گوید: این آرامش حسن آقا به بچه ها منتقل می شد. وقتی در آغوش او بودند، این قدر راحت روی سینه اش به خواب می رفتند که برایم عجیب بود. او که از دست به خیر بودن حسن آقا یادش آمده است، تعریف می کند: آخر ماه بود و حسابش پول چندانی نداشت. رفت دارو خانه که شیر خشک بخرد. اما مبلغی خیلی بیشتر از هزینه شیر خشک از حسابش کم شد. وقتی آمد، فهمیدم در دارو خانه یک نفر پول خرید دارو هایش را نداشته و حسن آقا به جای او حساب کرده است. گفتم آخر ماه است و خود مان پول نداریم. ولی گفت خدا می رساند. واقعا هم می رسید. این قدر عقیده داشت صدقه برکت و روزی را زیاد می کند که هر وقت پول نداشت، بیشتر صدقه می داد. آقا علیرضا ادامه می دهد: حسن همه جور کار راه انداز بود. یک بار سریده ای که داشت، ماشینش را فروخت، ولی وقتی دید خریدار

آقای استندبای

مادر شهید حرف را می برد به کودکی پسرش و می گوید: از بچگی اهل کار بود. وارد خیلی مشاغل شد: رانندگی، چمن زنی، شیرینی پزی و... اصلا هم پر خاشگر نبود، نه اینکه فقط با من خوب باشد. برخلاف خیلی پسر ها، حسن حتی با هم سن و سال هایش هم درگیر نمی شد. همسر شهید می گوید: حسن آقا اگر می خواست بچه ها را دعا کند، به عنوان مثال می گفت محمد! او این نهایت دعا و عوایش بود. خنده ای پراز خاطر ه روی لبان آقا علیرضا نقش می بندد و می گوید: ویژگی اصلی و بارز حسن سردی اش بود. آن قدر که اگر کسی عجله داشت، از خون سردی اش حرصش در می آمد. بین ما به آقای استندبای معروف شده بود. در همه حال آرامش داشت. او عکس برادرش را نشان می دهد و می گوید: این لبخندش را می بینید؟ همیشه همین آرامش و لبخند را داشت.

دزد خانه اش را بخشید

مادر شهید ماجرای گذشت حسن در برابر دزدان را یادآوری می کند و آقا علیرضا تعریف می کند: خانه حسن دزد آمده بود. در راه شکسته بودند. چاقو داشتند و تا مدت ها چنان ترسی در دل بچه های کوچکش افتاده بود که جرئت نداشتند به تنهایی تا سرویس بهداشتی بروند. با وجود این، وقتی دزد ها دستگیر شدند، حسن رضایت داد و می گفت شاید همین رضایت باعث شود آن ها از کارشان پشیمان و خجالت زده شوند. سیده زهرا، دختر بزرگ شهید، موقع شنیدن این خاطرات فقط لبخند می زند. وقتی از او می پرسم دلیل این همه آرامش و صبوری ات چیست، می گوید: شهادت آرزوی پدرم بود. حالا که به آرزویش رسیده است، ناراحت نیستم. باید تلاش کنم خودم هم طوری زندگی کنم که لایق شهادت باشم. او تعریف می کند: پدرم هر وقت قولی می داد، به آن عمل می کرد. یکی از قول هایی که برای امور مهم می داد، این بود که ما را به کربلا ببرد. پیش از شهادتش هم به من قول داده بود اگر آزمون تیزهوشان قبول شوم، من را به کربلا ببرد. ولی قسمت نشد. زهرا از اقامه نماز جماعت با پدرش یاد می کند و می گوید: بابا خیلی به نماز اول وقت و جماعت اهمیت می داد. اذان که می شد، هر کاری داشت، رها می کرد و به نماز می ایستاد. خیلی وقت ها به مسجد می رفت و ما را هم با خودش می برد. ولی بعضی وقت ها در خانه خود مان نماز جماعت می خواندیم. پدرم جلوی ایستاد و ما به او اقتدا می کردیم. خیلی این نماز ها را دوست داشتیم. او با لبخند به عکس پدر خیره می شود و ادامه می دهد: وقتی خانوادگی به اردوی راهیان نور رفته بودیم، پدرم وسط گل های شقایق نشست و گفت یک عکس شهادتی از من بگیر. حالا شهید شده و آن عکس برایمان به یادگار مانده است.

ادامه دهند راه پدر

محمد نه ساله لباسی سپاهی بر تن کرده و چاقیه ای روی دوشش انداخته است. او هدایا و جایزه های زیادی از پدرش گرفته است. یکی از آن ها را که خیلی دوست دارد، فوتبال دستی است. وقتی پدرش زنده بود، محمد چشم می کشید که او از مأموریت بیاید و با هم فوتبال دستی بازی کنند. بابا یک توصیه به محمد کرده که آن را به گوش گرفته است. او تعریف می کند: هر وقت در باره شغل آینده ام صحبت می کردم، بابا می گفت اینکه چه کاره باشی مهم نیست. مهم این است که به مردم کمک کنی. من هم الان می خواهم وقتی بزرگ شدم، راه او را ادامه دهم. روز تشییع می دیدم مردم غریبه چقدر دوستش داشتند و برایش گریه می کردند. چون بابایم

کمک بزرگی به مردم کرده و جانش را در راه دفاع از آن ها گذاشته است. سیده فاطمه دو و نیم ساله و سیده ریحانه نه ماهه، دو فرزند کوچک تر شهید حسن حسینی نژاد هستند. فاطمه گاهی قاب عکس بابا را برمی دارد و از روی شیشه او را می بوسد. ریحانه کوچک تر از آن است که بتواند حرفی بزند و کاری انجام دهد. قبلا که گریه می کرد، روی سینه پدرش می خوابید. الان هم دارد گریه می کند. مادر بغلش کرده و عمودورش داده است. بچه ها دورش را گرفته اند و برایش اسباب بازی آورده اند. اما هیچ کدام فایده ندارد. حتی شکلات ما هم آرامش نمی کند. گویا لبتنگ آغوش پدر است!





۹



راه تجربه

● ● جوایز و جشنواره‌ها

مسیر واحدی به جشنواره‌های هنری هم کشیده شد. در یکی از همین رویدادها، مؤسسه فرهنگی سازمان انرژی اتمی که در موازات مأموریت علمی اش فعالیت می‌کرد، فراخوانی برای ارائه آثار هنری با موضوع غدیر خم منتشر کرد و واحدی باتابلونقاشی اش در آن برنامه شرکت و مقام اول جشنواره را از آن خود کرد.

در باره دیگر عناوینی که در جشنواره‌ها به دست آورده است، می‌گوید: در زمان سیل سال ۱۳۸۹ مشهد باد و ریزش آبی ام عکسی از کمک رسانی پلیس به مردم گرفته بودم. با همان تک عکس، توانستم مقام سوم رشته عکاسی را در جشنواره روزنامه نگاران اصفهان کسب کنم.

همان جشنواره، تجربه ای ماندگار دیگر برای او رقم زد؛ حضور در یک کارگاه فشرده صد و بیست ساعته با عنوان «مبانی روزنامه نگاری» که نقطه شروعی شد برای ورود جدی ترش به مطالعات آزاد در حوزه روزنامه نگاری و رسانه.

این طور شد که این هنرمند - معلم علاوه بر تدریس هنر برای دوره اول متوسطه، تدریس سواد رسانه ای برای دوره دوم را نیز آغاز کرد. برای او رسانه همانند نقاشی است که نگاه و زاویه دید را پرورش می‌دهد.

او تجربه شرکت در چند نمایشگاه گروهی و کارگاه آموزشی را هم دارد. «تابلوهای مدرن و دکوراتیو»، نمایشگاه‌های گروهی نقاشی با عنوان‌های «یلدا» و «بومرگ»، از تجربه‌های واحدی هستند. اما هدفی که این روزها در ذهن او می‌چرخد، برگزاری یک نمایشگاه انفرادی است. اولین اثر نقاشی اش روی بوم را که یک ماشین کلاسیک است، نشان و توضیح می‌دهد: تصمیم دارم در آینده مجموعه نقاشی از خودروهای نوستالژیک بکشم و در نمایشگاه عرضه کنم.

● ● معلمی برای بچه‌ها

به باور مقداد واحدی، بچه‌های نسل جدید بیش از هر چیز نیازمند ارتباط اند. نه فقط آموزش. او ادامه می‌دهد: دانش آموزان دنبال کسی می‌گردند که آن‌ها را ببیند. بچه‌ها در روابط اجتماعی، دوستیابی و ارتباط گیری نیازهای جدی دارند.

از همین روست که پرورش را مقدم بر آموزش می‌داند و باور دارد معلم موفق کسی است که ابتدا اعتماد و رابطه انسانی را بسازد و بعد مفاهیم درسی را انتقال دهد. او می‌گوید: دو کارگاه نقاشی با موضوع شیوه اداره کلاس برای همکارانم در آموزش و پرورش ناحیه ۴ و دبیران هنر و کار و فناوری برگزار کردم و از زمانی که تدریس را شروع کردم، هر سال به عنوان دبیر نمونه مدارس که با آن‌ها همکاری می‌کنم، انتخاب می‌شوم. این معلم موفق درباره آینده تحصیلی اش هم می‌گوید: قصد دارم در رشته روان شناسی ادامه تحصیل بدهم تا بتوانم علمی تر و مؤثرتر به نیازهای روحی بچه‌ها پاسخ بدهم.

مقداد واحدی، آموزگار و هنرمندی است که پرورش دانش آموزانش را بر آموزش آن‌ها ترجیح می‌دهد

دانش آموزان بوم سفید نقاشی اند

● ● میان رنگ و کلاس

واحدی متولد سال ۱۳۶۷، دانش آموخته دو رشته کارشناسی مدیریت بازرگانی و علوم تربیتی از دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناس ارشد آموزش ابتدایی از دانشگاه آزاد مشهد است. با این پیشینه تحصیلی، شاید انتظار می‌رفت مسیر او چیز دیگری باشد، ولی اکنون در راهی میان نقاشی و تعلیم و تربیت است. او اکنون در سه مدرسه به عنوان معلم حق التدریس فعالیت می‌کند و می‌گوید: به نظرم بعد پرورش بچه‌ها در مدارس کم رنگ است. نگاه من به دانش آموزانم مانند بوم‌های سفیدی است که هرکدامشان نیاز به ترکیب منحصر به فردی از رنگ و توجه دارند.

● ● از خانه‌ای پر از نقش...

پدرش ارثی و جانباخت است. اما دستی در هنر داشت؛ نقشه‌های قالی می‌کشید. مادرش هم قالی باف است. هنوز هم در خانه‌شان، قالیچه‌ای از پشم شتر پهن است که با طرحی بیرجندی و با هنر دست‌های مادر بافته شده است. شاید همین قالیچه و قالی‌های بافته شده پیش از این بودند که بذریعۀ علاقه به هنر را در دل مقداد سال‌های خردسالی کاشته است. واحدی تعریف می‌کند: سیزده ساله که بودم، یک روز در خیابان حامد جنوبی راه می‌رفتم که ببری دیدم. مربوط به کلاس‌های استاد رضا مهدوی بود. در این کلاس‌های هنری ثبت نام کردم و خیلی زود با استاد، که مثل خودم اصالتی کرمانی داشت، ارتباط عمیق تری برقرار کردم. اولین اثرم طراحی یک جعبه میوه به صورت ویترازی بود.

او که هنر را همین طور تجربی دنبال کرده است، اکنون با همان دقتی که یک سایه را در نقاشی می‌نشاند، روح‌های کوچک و گاه زخمی دانش آموزانش را ترمیم می‌کند. هنرش فقط بر بوم نیست؛ بر جان شاگردانش نقش می‌زند. تعریف می‌کند: خاطرم است از یک دوست قدیمی دلخور شده بودم و یک روز در کلاس خیلی صمیمانه همین ناراحتی را با دانش آموزانم مطرح می‌کردم. همان روز متوجه شدم دانش آموزم، شایان مصلح، نقاشی‌ای کشیده و نامش را «اندوه استاد واحدی» گذاشته است. برای همین می‌گویم معلمی برای من، ادامه نقاشی است.

عناوین آقای واحدی

● رتبه اول مسابقات نقاشی مؤسسه فرهنگی صنعت هسته‌ای کشور با موضوع غدیر خم در سال ۱۴۰۰

● رتبه سوم عکس در هشتمین همایش روزنامه نگاران غیر حرفه‌ای اصفهان در سال ۱۳۸۹

● رتبه سوم نقاشی در مسابقات کشوری دانشگاه آزاد اسلامی با موضوع مهدویت در سال ۱۴۰۳

● چهره نگاری از علی اکبر صالحی، رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران، در سال ۱۳۹۸

رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی شهر در نشست با بانوان فعال منطقه ۱۰ خبر داد

تجهیز مساجد به اتاق مادر و کودک

فهمیه شهری چندین پیش، بانوان فعال فرهنگی منطقه ۱۰ در شهرداری این منطقه گرد هم آمدند. مهمان ویژه این نشست فاطمه سلیمی، رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی شهر بود که در حضور شهردار منطقه ۱۰ صحبت های بانوان را شنید و ظرفیت ها و چالش های موجود را بررسی کرد.

این نشست یک مهمان ویژه دیگر هم داشت و آن نوزاد چند ماهه ای بود که هر چند دقیقه با آواهای دل نشینش همه توجهات را به سمت خودش جلب می کرد. مادر این نوزاد که هم زمان با رسالت مادری، در فعالیت های اجتماعی مشارکت می کند، با تشویق همگان از جمله سلیمی همراه شد.

تبادل تجربه و هم افزایی بین بانوان

فاطمه سلیمی این نشست را که با حضور پررنگ بانوان منطقه ۱۰ همراه شده بود، موجب تعامل بیشتر میان مدیریت شهری و بانوان فعال فرهنگی و اجتماعی مساجد و محلات دانست و تأکید کرد: یک نتیجه و خروجی خوب این نشست می تواند هم فکری و تبادل تجربه بین بانوان محلات مختلف باشد تا طرح های خوب دیگران را در محلات و مساجد منطقه خودشان اجرا کنند. وی به تصویب اعتبار برای تجهیز اتاق مادر و کودک مساجد اشاره کرد و گفت: با

تصویب شورای اسلامی شهر مشهد، شهرداری برای تجهیز اتاق مادر و کودک ۱۰۰ میلیارد ریال به مساجد اختصاص داده است. به گفته سلیمی، مساجدی که فضای لازم و مجزا برای استقرار اتاق مادر و کودک داشته باشند، از این محل به آن ها اعتبار داده می شود.

الگوگرفتن از خلاقیت ها

در این نشست، بانوان فعال محلات مختلف منطقه به بیان اقدامات گذشته و جاری پرداختند که بعضی از آن ها مورد توجه بیشتر سلیمی قرار گرفت. یکی از این موارد، اقدامات کارآفرینی

بود که توسط ملیحه بنایی از طرف مسجد غدیر با باغلی ۵ بیان شد. او به آموزش های کارآفرینی برای بانوان اشاره کرد و اینکه هر فرد دریافت کننده آموزش ها باید آن را به سه نفر دیگر آموزش دهد. سلیمی هم می کردن آموزش های کارآفرینی را نقطه قوت و خلاقانه ای دانست که دیگر فعالان اجتماعی هم باید آن را مدنظر قرار دهند.

برپایی موبک دهه آخر ماه صفر ویژه بانوان، راه اندازی مهد کودک خلاق، فعال بودن هیئت نوجوانان دختر و پاتوق دختران نوجوان، از فعالیت هایی بود که معصومه جهانگیری از طرف مسجد حضرت فاطمه زهرا (س) بیان کرد. سمیرا نیکنام از مسجد الغدیر به گرداندن همه امور موبک توسط مادران و دخترانشان اشاره کرد و افزود: در کلاس هایی که برگزار می کنیم، چندین نفر از مربیانمان از دانش آموزان قبلی خود مان هستند که در مسابقات مدال گرفته اند.

مریم آرمون از مسجد جوادالائمه (ع) از راه انداختن خیریه و خط تولید لباس سخن گفت. الهام قاسمی از مسجد امام سجاد (ع) و زهرا ذاکر از مسجد حضرت ابوالفضل (ع) نیز فعالیت های متعدد و خلاقانه ای همچون باشگاه کتاب خوانی مجازی، برگزاری مراسم تولد با معرفی کتاب، حسینیه کودک، اعتکاف مادر و کودک و... داشتند و بعد از اتمام برنامه به طور خودجوش به تبادل تجربه و ایده با یکدیگر پرداختند.



گفت و گو با الهه زارع، نفر دوم استان در بخش مشاعره جشنواره «امید فردا»:

حس واژه ها را دوست دارم



امید محله

تعدادشان زیاد بود و من ۳۵ مشاعره انجام دادم تا در نهایت نفر دوم استان شدم.

از چه سنی به شعر علاقه مند شدی؟

از چهار پنج سال پیش با دیدن شعرها در کانال های برنامه «شاد» علاقه ام جدی شد. مخصوصاً وقتی از شعر بابتی خوشم می آمد و چند بار آن را می خواندم، متوجه می شدم حفظ شده ام. دیدم بعضی شعرها چطور می توانند احساس آدم ها را توصیف کنند و همین موضوع نظر مرا جلب کرد.

از چه شاعرانی بیشتر می خوانی؟

حافظ، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد و

شاهین اخوندی می گوید واژه ها و معانی عمیق نهفته در آن ها را خیلی دوست دارد. برای همین از وقتی متوجه شد علاقه به خواندن شعر دارد و استعدادش در حفظ کردن اشعار خوب است، طوری آن ها را دنبال کرد تا به مسابقه مشاعره رسید. الهه زارع، نوجوانی که ساکن محله امام هادی (ع) است، توانسته سال گذشته در جشنواره فرهنگی و هنری «امید فردا» در بخش مشاعره بدرخشند. البته شعر تنها علاقه او نیست، نوشتن رادوست دارد و حماسی خواندن شعرهای شاهنامه را هم بلد است و چند دفعه هم در مسابقات نقالی شرکت کرده. او توانسته تهدیدهای وقت گشتی در فضای مجازی را به فرصت تبدیل کند و هر روز شعرهای بیشتری به خاطرش بسپارد.

از خودت برایمان بگو.

پانزده سالم است و دانش آموز پایه نهم در مدرسه فرزنانگان ۴ (ولایت) هستم.

چطور شد که وارد مسابقات مشاعره شدی؟

راستش اول قرار بود یکی دیگر از بچه ها از مدرسه ما در این جشنواره شرکت کند، اما وقتی پیشنهاد دادم که من هم توانایی مشاعره دارم، معلم پرورشی مان اجازه داد با او مشاعره کنم. در همان چند بیت اول، دوستم کمی تعلل کرد و به همین دلیل من انتخاب شدم.

چند نفر در سطح استان شرکت کرده بودند؟

حامد عسکری. از شعر نو هم خیلی خوشم می آید و آن را بیشتر از قالب های دیگر دوست دارم.

خودت هم شعر می گویی؟

بله، هفت هشت شعر نوشته ام که معلم هایم هم درستی وزن و قالبشان را تأیید کردند. حتی یکی از شعرهایم را برای داورهای استانی خواندم و پسندیدند.

در مسابقات دیگر هم شرکت کرده ای؟

در جشنواره خوارزمی و در بخش «احساس واژه ها» انشایم رتبه اول را کسب کرد. در نقالی هم رتبه اول استان و در رتبه اول ناحیه دارم. در بخش تئاتر صحنه ای جشنواره امید فردا نیز همراه گروه شرکت کردم که رتبه دوم ناحیه را کسب کردیم.

دوست داری در آینده چه رشته ای بخوانی؟

باینکه به زبان و ادبیات فارسی خیلی علاقه دارم، از نظر تحصیلی، رشته تجربی را انتخاب کرده ام، چون به پزشکی علاقه دارم. هدفم این است که جراح شوم و در کنارش کتاب نوشتم و شعر گفتن را هم دوست دارم.

خانواده ات چه نقشی در علاقه ات به شعر دارند؟

پدر و مادرم خیلی مشوقم هستند. به ویژه مادرم برای جشنواره ها همیشه پشتیبانم است. حتی من را به سمت خبرنگاری تشویق کردند و خودم هم آن رادوست دارم.

چه چیزی در ادبیات فارسی جذبت می کند؟

زبان فارسی قابلیت هایی دارد که خیلی از زبان های دیگر ندارند؛ یعنی می تواند با ظرافت، احساسات عمیق را منتقل کند. هیچ زبانی به اندازه فارسی نمی تواند منظورها و احساس را دقیق برساند. من واژه ها و حسی را که از آن ها دریافت می کنم، دوست دارم.





برای آشنایی بیشتر با کادر شهرآرامجله منطقه ۹ و ۱۰ که تلاش‌هایشان کنید

مجله اقبال

مجله رضاشهر

روح‌ا... خلیل‌زاده نایب‌رئیس و نماینده کسبه	ابراهیم حسن‌زاده رئیس شورا و نماینده ایثارگران
محمد هاشم‌کوشا نماینده ساکنان	مهدی دهقان‌پور نماینده ساکنان
ناهید نورزاده نماینده ساکنان	محمدصادق صادقی نماینده ساکنان
سید رضامیر حسینی نماینده توان‌یابان	جابر وظیفه‌شناس نماینده پیشگیری از وقوع جرم
سمیه حسینی نماینده بهداشت	مهدی دلاورزاده نماینده مدارس
نرجس‌بی‌بی شبیری قوچان‌عتیق نماینده بانوان	اعظم طاهرینیا نماینده تشکل‌های مردمی
محمدتقی قربانی نماینده پایگاه‌های بسیج	

محسن کاملی نایب‌رئیس و نماینده جوانان	میلاد نورانی رئیس شورا
مناملتی جعفری نماینده ساکنان	محمدکبری شاه‌آباد نماینده مساجد
الیاس رحیمی نماینده ساکنان	علی صنعتگر نماینده ساکنان
مرضیه سراجیه نماینده بانوان	حامد حسن‌زاده نماینده ساکنان
سکینه سویی نماینده پایگاه‌های بسیج	حسن مرادمند نماینده تشکل‌های مردمی
محمدریبیعی نماینده ساکنان	علی حسینی مقدم نماینده ایثارگران
هوشنگ اصل‌طبسیان نماینده پیشگیری از وقوع جرم	امیرحسین مهدوی پویا نماینده کسبه
جلال نصرتی نماینده مدارس	محمدرضانزاکتی الفتی نماینده بهداشت

پریسامروی

دبیر شوراهای اجتماعی منطقه ۹



۹

معرفی اعضای شورای اجتماعی محلات

اقبال، رضاشهر، نیروی هوایی و ولیعصر (عج)

مجله ولیعصر (عج)

سمانه کرمانی محمدآباد نایب‌رئیس شورا و نماینده پایگاه‌های بسیج	علی عسکری نائینی رئیس شورا و نماینده تشکل‌های مردمی
محمد یاقوتی نقاب نماینده ساکنان	سید محمد مهدی کاظمی نماینده مساجد
جلال عباس‌نیا نماینده ساکنان	محمد رضا بابایی نقندری نماینده ساکنان
سحر دلاور نماینده جوانان	هاجر هدایت نماینده ساکنان
علیرضا عمارلو نماینده ایثارگران	سمیه جعفری نماینده بانوان
ولی‌ا... نجفی نماینده کسبه	طیبه نعمتی نماینده توان‌یابان
جواد یوسف‌زاده نماینده مدارس	محمدرضانزاکتی الفتی نماینده بهداشت
هوشنگ اصل‌طبسیان نماینده پیشگیری از وقوع جرم	

مجله نیروی هوایی

محسن صدیق نایب‌رئیس و نماینده ساکنان	سید مهدی سجادی ارجمند رئیس شورا و نماینده ایثارگران
مجید فکری بنهنگی نماینده ساکنان	امیرحسین وهاب‌زاده شهری نماینده مساجد
علی فعال پارسا نماینده ساکنان	الهام مظفری نماینده ساکنان
مریم توسلی نماینده بانوان	حمیده حسین‌زاده نماینده جوانان
عباس ناصری‌فر نماینده کسبه	فاطمه آخوندی نماینده تشکل‌های مردمی
امین‌ا... زنگنه‌ثانی نماینده پیشگیری از وقوع جرم	مهدی نظرجانی نماینده پایگاه‌های بسیج
اکرم سابقی‌نیا نماینده بهداشت	